

تیتراژهای امروز

مدارس و دانشگاه‌های ۱۸ شهر خوزستان برای دومین روز متوالی تعطیل شد

سهم خوزستان
گرد و خاک!

پیش‌بینی هواشناسی: تداوم پدیده گرد و خاک در روزهای آینده



صفحه ۴

رقابت ۲۵۰۰ نامزد نمایندگی پارلمان در ۷۲۰۰ صندوق رای

سوریه در مسیر
انتخاب

صفحه ۱۵

سازمان وظیفه عمومی ناجا اعلام کرد

اطلاعیه مهم درباره
جریمه رالی سربازی

صفحه ۴

وقتی قهرمانی لیگ در گرو این بازی باشد

داربی
با بوی باروت

صفحه ۱۴

نکاه امروز

ساغندنامه!

محمد مهدی نظامزاده



صفحات تقویم به پایان ایام نوروز سال ۹۵ هجری شمسی نزدیک شده بود که به حدود ۳۰۰ نفر از کارگران و مهندسان معدن اورانیوم ساغند اطلاع داده شد دیگر نیازی نیست پس از پایان تعطیلات برای ادامه خدمت در ریشه چرخه فعالیت هسته‌ای و تنها معدن فعال اورانیوم در کشور به محل کار خود بازگردند. هنوز بیش از ۳ ماه از اخراج حدود ۲۰۰ نفر دیگر از همکاران شان در این معدن نگذشته و اکنون در آغاز سال جدید، نوبت به گروه دیگر رسیده بود. خستگی بر جان کارگرانی که بسیاری از آنها روزهای جوانی خود را با عشق به ساختن میهن عزیزشان، در معرض اشعه‌های معدن اورانیوم سپری کرده بودند و اکنون آرام‌آرام به ایستگاه دوران بازنشستگی می‌رسیدند، به یکباره رخ نمود. این خستگی نه فقط به خاطر ایهامی بود که به دنبال از دست رفتن شغل و چنگ زدن بیکاری بر سرفره‌های آنان شکل می‌گرفت - که نمط تلخ بیکاری این روزها به ادعای متولیان کسب‌وکار در دولت تدبیر و امید، هر ساعت بر سفره بیشتر از ۱۵۰ نفر از هموطنان ما می‌نشیند. بلکه کارگران ماهر معدن اورانیوم حسرت‌بار به افقی نگرستند که در آن حاصل سال‌ها تلاش و تجربه متخصصان داخلی و صرف هزینه‌های بسیار بیت‌المال، آرام‌آرام روی خود آوار می‌شود. شاید اگر نیمابوشیخ زنده بود، سروده «نازک‌آرای تن ساق گلی، که به جانش کشتم، و به جان دادمش آب، ای دریا! به برم می‌شکند» را از دفتر اشعار خود، در آن لحظه به بغض کارگران و متخصصان معدن اورانیوم ساغند تقدیم می‌کرد. بغضی که در روزهای بعد، در حالی سنگین‌تر می‌شد که فراخوان مراجعه کارگران و متخصصان معدن به منظور تسویه حساب، ناباورانه با تکذیبیه‌های پر از تناقض مسؤولان سازمان انرژی اتمی در دولت راستگویان توأم شده بود و خانواده‌های پرسنل ساغند در حیرت شدند که «دم خروس را باور کنند یا قسم حضرت عباس(ع) را!»

ادامه در صفحه ۵



مقرن بن عبدالعزیز ولیعهد پسر کناره شده سعودی از ماجراجویی نظامی علیه ایران ابراز نگرانی کرد

ارتش سعودی در شرق

انتقال محموله‌های سلاح طی ۵ مرحله به وسیله هواپیماهای C130 به فرودگاه دال بندین در بلوچستان پاکستان برای تحویل به گروه‌های تروریستی مخالف ایران

صفحه ۲

تبادل خونین علمی با اسرائیل

لیست ترور جدید سزایی؟!

سمن یکی از متخصصان موسسه وایزمن اسرائیل است؛ دانشگاهی دولتی که اولین رئیس رژیم صهیونیستی «سیم وایزمن» آن را بنا گذاشت. تحفظ صهیونیست‌ها در پوشش دانشمندان و متخصصان این رژیم به حدی است که به ندرت عکس یا ردی از آنها در فضای مجازی می‌توان پیدا کرد. با این احتساب پس از برگزاری این رویداد، کارشناسان امنیت در رسانه‌های داخلی هدف سمن از حضور در اصفهان را تمرکز مستقیم بر سوزهای ایرانی عنوان کردند. سوزهایی همچون اردشیر حسین پور که دقیقاً در همان دوره بر پروژه هسته‌ای اصفهان متمرکز بود.

از باقر نمازی تا گری سیک

باقر نمازی، جاسوس ارشد به دام افتاده در دستگاه امنیت کشورمان، در مقدمه کتاب «تبادلات علمی ایران و جهان» این طرح را حاصل برنامه‌ریزی



واکتاسوکی» از ژاپن درباره بیولوژی ساختاری سخنرانی کرده است! این نشست، ۸ تا ۱۱ آذر در دانشگاه صنعتی اصفهان برگزار شد که حدود ۷۰ نفر از متخصصان و کارشناسان از شماری از کشورهای جهان در آن حضور داشتند. با این وجود این ماجرا کمترین بازتابی در رسانه‌های داخلی نداشت و مشخص نشد وزارتخانه‌های امور خارجه و اطلاعات وقت چطور به سمن صهیونیست ویزای سفر به ایران اعطا کرده‌اند البته در این دوره دروازه‌های امنیت کشور از جا کنده شده بود و روزانه اخبار بسیاری درباره سفر آزادانه جاسوسان آمریکایی از جمله ویلیام میلر، عضو شورای امنیت ملی آمریکا و رئیس سازمان جست‌وجوی زمینه‌های مشترک اسرائیل که با چشم‌پوشی یونسکی، در قالب برنامه پوششی «تبادل علمی» راهی ایران شدند منتشر می‌شد!

مکالمات و اطلاعات جزئی و سطح علمی آنها به صورت دقیق مورد رصد صهیونیست‌ها قرار می‌گرفت و با اطلاعات به‌دست آمده از آژانس انرژی اتمی تطبیق داده می‌شد. اهمیت اطلاعات به‌دست آمده از دانشمندان هسته‌ای شاخص کشورمان در پروژه سزایی به حدی بود که بلافاصله پس از ترور شهید گمنام و مظلوم هسته‌ای، اردشیر حسین پور با گاز رادیواکتیو به اذعان رسانه‌های مشهور آمریکایی و اسرائیلی و ترور شهیدان علیمحمدی و شهریار بایمب توسط گروه ماموریت ویژه خارج از مرز موساد - کیدون - رسانه‌های غربی از جمله دیوچه‌وله و روتترز از تباط عملیات حذف فیزیکی دانشمندان ایرانی با پروژه سزایی را مورد کنکاش و سوال قرار دادند.

تریلر علمی - تخیلی سزایی

رسانه‌های عربی نیز اصل همکاری علمی بر سر پروژه سزایی را با عنوان «تریلر علمی-تخیلی» اسرائیل برای شناسایی و حذف دانشمندان ایرانی معرفی کردند، چرا که هیچ‌یک از کشورهای دیگر عضو سزایی دانشمندی در قد و قواره پروژه سینکروترون نداشتند و ندارند و جز ایران کشوری دارای این میزان توسعه یافتگی در حد علوم لبه تکنولوژی در خاورمیانه نیست!

رویترز، نیویورک تایمز و سی‌ان‌ان نیز با مقایسه ترور دانشمندان ایرانی با عملیات‌های مشابه انجام‌شده در عراق، پس از سقوط صدام و حذف صدها دانشمند عراقی، با اتکا به اطلاعات اختصاصی به‌دست آمده از منابع نامعلوم اسرائیلی (!) این رژیم را عامل اجرای عملیات «آبی سفید» - اشاره به رنگ‌های پرچم رژیم غاصب صهیونیستی - در ایران توسط نیروی ویژه «کیدون» معرفی کردند.

رمز غار گنج ایران

اما شاید دقیق‌ترین توصیف را از پروژه سزایی، بی‌بی‌سی ارائه کرد که با اشاره به سابقه تاریخی اسم رمز «کنجد»، سزایی را بازگشاینده غار گنج علی‌بابا و چهل دزد بغداد به روی مخالفانش دانست. بی‌بی‌سی نوشته بود: «فارغ از همه مسائل بزرگ و کوچک در زمینه همکاری ایران با این طرح؛ یکی از دلایل انتخاب نام سزایی برای این

پروژه از سوی بانیان طرح اشاره به داستان علی‌بابا و چهل دزد بغداد بود که در غاری که دزدان، گنج خود را در آن پنهان می‌کردند با گفتن اسم رمز «سزایی» اسسمی‌آ باز می‌شد. آنها امیدوار بودند این نام مانند آن رمز علی‌بابا، در گنج دوستی و همکاری‌های علمی را به روی کشورهای منطقه بگشاید ولی با توجه به وضعیت موجود باید صبر کرد و دید که سزایی، درها را به روی ایران می‌گشاید یا می‌بندد.

لیست تحریم

اما شهادت علیمحمدی، شهریار و شهید گمنام و مظلوم هسته‌ای استاد حسین پور، تنها هزینه‌ای نبود که ملت ایران بابت خیانت دولت و مجلس اصلاحات در به اصطلاح همکاری علمی از همکاران شان در این معدن نگذشته و اکنون در آغاز سال جدید، نوبت به گروه دیگر رسیده بود. خستگی بر جان کارگرانی که بسیاری از آنها روزهای جوانی خود را با عشق به ساختن میهن عزیزشان، در معرض اشعه‌های معدن اورانیوم سپری کرده بودند و اکنون آرام‌آرام به ایستگاه دوران بازنشستگی می‌رسیدند، به یکباره رخ نمود. این خستگی نه فقط به خاطر ایهامی بود که به دنبال از دست رفتن شغل و چنگ زدن بیکاری بر سرفره‌های آنان شکل می‌گرفت - که نمط تلخ بیکاری این روزها به ادعای متولیان کسب‌وکار در دولت تدبیر و امید، هر ساعت بر سفره بیشتر از ۱۵۰ نفر از هموطنان ما می‌نشیند. بلکه کارگران ماهر معدن اورانیوم حسرت‌بار به افقی نگرستند که در آن حاصل سال‌ها تلاش و تجربه متخصصان داخلی و صرف هزینه‌های بسیار بیت‌المال، آرام‌آرام روی خود آوار می‌شود. شاید اگر نیمابوشیخ زنده بود، سروده «نازک‌آرای تن ساق گلی، که به جانش کشتم، و به جان دادمش آب، ای دریا! به برم می‌شکند» را از دفتر اشعار خود، در آن لحظه به بغض کارگران و متخصصان معدن اورانیوم ساغند تقدیم می‌کرد. بغضی که در روزهای بعد، در حالی سنگین‌تر می‌شد که فراخوان مراجعه کارگران و متخصصان معدن به منظور تسویه حساب، ناباورانه با تکذیبیه‌های پر از تناقض مسؤولان سازمان انرژی اتمی در دولت راستگویان توأم شده بود و خانواده‌های پرسنل ساغند در حیرت شدند که «دم خروس را باور کنند یا قسم حضرت عباس(ع) را!»

رحیقی نایب رئیس و مسؤول آموزش سزایی بود و در مرکز تحقیقات هسته‌ای اصفهان و در راکتور آب سنگین در مرکز فناوری‌های هسته‌ای اصفهان (ENTC) همکار شهید حسین پور بود. اکنون در شرایطی که پروژه سینکروترون ملی با «چشمه نور ایران» در مرحله طراحی سازه‌های اصلی، دستگاه‌ها و ساخت قطعات را با اتکا به توانمندی مهندسان ژئوتکنیک، ژئوفیزیک، سازه و دانشمندان فیزیک، شیمی، مکانیک، مواد برق ایرانی به پایان رسانده، اخباری مبنی بر همکاری مجدد ایران با رژیم صهیونیستی در قالب برنامه آمریکایی-اسرائیلی «تبادل علمی» با هدف ضربه‌زنی به زیرساخت‌های علمی کشورمان و شکست تابوی «همکاری با رژیم غاصب اسرائیل» منتشر شده است! آیا هیچ ایرانی وطن‌پرستی را می‌شناسید که از حماقت و خیانت دولت اصلاحات و تماشای پیکر غرق در خون دانشمندان مظلوم ایرانی لذت ببرد و تشنه «تبادل علمی» ایرانیان با موساد و سیا باشد؟! آیا سزایی نیز پرده‌ای دیگر از «برجام دفاعی» مدنظر جان کری است؟